

## شهید غلامرضا عرب



  
**ازتبار علی**  
سامانه جامع سوادالان و دوازدهمین استان بوئهر

	نام پدر
۱۳۴۴	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۲۳/۴/۱۳۶۱	تاریخ شهادت
سلمچه	محل شهادت
	مسئولیت
بسیجی	نوع عضویت
	شغل
سیکل	تحصیلات
گلزار شهدا شهر دالکی	مدفن

## زندگینامه

زندگی نامه بسیجی شهید غلامرضا عرب:

شهید غلامرضا عرب در سال ۱۳۴۴ در خانواده ای مستضعف و مذهبی در روستای بنه از توابع دشتستان دیده به جهان گشود. از کوچکی تربیت و آداب نماز را نزد پدرش آموخت و به آن عمل کرد. تحصیلات ابتدایی و دوره راهنمایی خویش را در مدارس دالکی به اتمام رسانید و جهت ادامه تحصیل دوره متوسطه در دبیرستان دکتر مفتاح دالکی ثبت نام نمود. چون شوق به جبهه و عشق به شهادت را در سر می پروراند در نیمه سال تحصیلی جهت اعزام به جبهه ثبت نام کرد پس از اتمام دوره آموزشی در پادگان دستغیب کازرون راهی جبهه های حق علیه باطل شد و پس از ۲۵ روز نبرد قهرمانانه در تاریخ ۲۳/۴/۱۳۶۱ در جبهه شلمچه و در عملیات گسترده رمضان بر اثر ترکش خمپاره صدامیان به آرزوی دیرینه خود که شهادت بود رسید.

روانش شاد و راهش گرامی باد.

## مصاحبه

شهید در خاطره پدر:

مادرش نام غلامرضا را برایش انتخاب کرد. از همان دوران کودکی سعی می کردیم او را صحیح تربیت کنیم و با احکام اسلامی به خصوص فراگیری نماز و شناختن ائمه معصومین او را آشنا سازیم. او عاشق مراسم مذهبی بود و به همه خانواده عشق می ورزید. به صلۀ رحم و سرکشی به خویشان و اقوام علاقه زیادی داشت. همچنین بسیار علاقه مند بود که در کارها به مادر کمک کند.

غلامرضا عشق و علاقه وافری به مدرسه داشت و همیشه در کارهایش نظم خاصی حاکم بود. اما ما به علت فقر مالی و تهیدستی برایمان مقدور نبود که اسباب راحتی او را فراهم سازیم. این حال او تکالیف درسی را به خوبی انجام می داد. رابطه اش با همکلاسی هایش بسیار خوب بود. از معلمین ایشان می توان آقای ابراهیم مهتدی که هم اکنون در دالکی ساکن هستند و همچنین از دوستان وی می توان مرتضی حقیقت، ابراهیم عبداللہ، محمدجعفر حقیقت، خداکرم فرزانه، حسن احمدی و احمد بحرانی - که همگی ساکن دالکی می باشند - را نام برد.

وی به یادگیری مسائل دینی و مذهبی علاقه خاصی داشت و همیشه با افراد با ایمان و مذهبی معاشرت می کرد. او همیشه علاقه داشت که در رشته مهندسی کشاورزی ادامه تحصیل دهد.

شهید فردی فعال و اجتماعی بود و معاشرت با آشنایان و دوستان را بسیار می پسندید. در منزل روی بهداشت و نظافت حساسیت خاصی داشت.

به امام و روحانیت علاقه زیادی داشت. در تظاهرات و راهپیمایی ها بر علیه رژیم طاغوت حرکت می کرد. گوش دادن به سخنرانی های امام روحیه شهید را بسیار حساس و لطیف کرده بود. همیشه ما را به پیروی و حمایت از ولایت فقیه توصیه می کرد. الگوی خود را روحانیونی همچون امام و شهید بهشتی قرار داده بود.

با دوستان امام و انقلاب رابطه ای حسنه داشت و از مخالفین انقلاب متنفر بود و همیشه در صدد نابودی و تحقیر آنان بود.

در بسیج حضوری مستمر و دائم داشت و از بدو جنگ تحمیلی تا لحظه شهادت همیشه به فکر دفاع از کشور اسلامی بود.

از محسنات اخلاقی ایشان می توان به صداقت، شجاعت، خوش اخلاقی و معاشرت با اقوام و دوستان اشاره کرد.

همیشه سعی در انجام واجبات و ترک محرمات داشت و بر خود واجب می دانست که در نمازهای جماعت و جمعه شرکت کند. ارادت خاصی به ائمه معصومین (ع) داشت و همیشه در گرفتاری ها به آن ها متوسل می شد. علاقه فراوانی به تلاوت قرآن داشت. به محض این که می شنید یکی از دوستانش شهید شده است بسیار ناراحت می شد و به حال آن ها غبطه می خورد. همیشه سعی می کرد با خانواده شهدا ارتباط برقرار کند و برای دیدن آن ها به منزلشان می رفت.

غلامرضا برای اولین بار در سن ۱۸ سالگی به جبهه حق علیه باطل اعزام گردید. در موقع اعزام در هنگام خداحافظی گفت: حضور همه ما در جبهه لازم و واجب است. همه را دلداری می داد و تأکید می کرد که امام و انقلاب را تنها نگذاریم.

خبر شهادتش را آقای حسن شنبیدی مسئول وقت بسیج دالکی به ما گفت و ما نیز چون هدف ایشان شهادت بود و به آرزویش رسیده بود خدا را شکر کردیم.

یک روز بعد از شهادتش یعنی در ۲۵ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۱ و پیکر پاکش را تشییع در جنت الشهدای دالکی دفن کردیم.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران